



کتاب ایران و مرغ کانون در آسمان آلمان

غلامرضا امامی

امسال جایزه صلح ناشران آلمانی به «مارکارت اتوود، نویسنده ۷۷ساله کانادایی به سبب دادگری و دادخواهی، تسامح و تساهل، رواداری و انسان‌گرایی در آثار و کتاب‌هایش به وی پیشکش شد.

سه‌شنبهٔ دهم اکتبر از رم به فرانکفورت رفتم. در هواپیما در کنارم مردی بود که کتاب می‌خواند، از من پرسید کجایی هستم؟ گفتم ایرانی. ایران را با کیارستمی و فیلم‌هایش می‌شناخت و با اعجاب و احترام از فیلم‌هایش یاد کرد. منتقد شهریر سینمایی بود. اهل لهستان. وقتی دانست سال‌ها همکار و همراه وی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده‌ام، بیشتر او پرسشگر بود و من پاسخ‌گو... از جهان بی‌مرز فرهنگ و هنر سخن می‌گفتم و از نقش هنرمندان و ادیبان در ویرانی دیوارها و ساختن پل‌ها کپ می‌زدیم. از آنجاکه وی هم‌میهن پای پاک لهستانی، پاپ ژان پل دوم بود و مسیحی‌ای معتقد، حال‌واحوال اهل کتاب را پرسید. گفتم در کشور ما کلیسا، کنیسه، معبد و مسجد در کنار هم جا دارند و در آبادان دیوار مسجد و کلیسا یکی است... .

باری عصر سه‌شنبه به نمایشگاه رسیدیم. در آستانه در ورودی کارت مطبوعاتی‌ام حاضر بود. گفتنی است که به محبت مدیر گرمی «شرق» هر سال مسئول مطبوعاتی ارشاد کاردتی فراهم می‌کرده؛ اما امسال با لیت‌ولعل‌ها و امروز و فرداکردن‌ها از صدور این کارت خودداری کرد! اما چه غم که مسئولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت با آغوشی باز و چهره‌ای گشاده به صدور این کارت اقدام کردند...! نه‌تنها برای من، که برای بیش از ۱۰ هزار نویسنده از سراسر جهان.

به سالن ایران رفتم که با رنگ فیروزه‌ای خوش می‌درخشید. «مروارید» از من خواسته بود که در ایام نمایشگاه کار غرفه‌اش را سامان دهم و چنین کردم. – چهارشنبه، یازدهم اکتبر، نمایشگاه آغاز به کار کرد. شصت‌ونهمین نمایشگاه، با شرکت بیش از ۱۱۰ کشور و هفت هزار ناشر. شب تلویزیون آلمان گفت که امسال ایران با دست‌هایی پر به نمایشگاه آمده است.

.....

آلمان هم که میزبان بود. هرچند که آلمانی‌ها با کتاب و کتاب‌خوانی آشنایند. در گوشه‌ونگار شهرها مانند دیوار مهریانی ما، قفسه‌هایی ساخته‌اند پر از کتاب، هرکه می‌تواند کتاب بگذارد و هرکس می‌خواهد کتابی به رایگان ببرد و بخواند؛ اما نمایشگاه کتاب فرصتی بود برای دلدادگان کتاب، در غرفه ناشران آلمانی صف‌هایی طولانی و بی‌شمار دیدم که ساعت‌ها دوستداران کتاب در انتظار بودند تا نویسنده محبوبشان کتاب را به یادگار برایشان امضا کند

.....

در غرفه ایران نزدیک به ۳۰ ناشر حضور داشتند. مدیر نمایشگاه ایران جناب مسعود شهرام‌نیا همراه دو بال و دو همکارش آقایان شاکری و عموشاهی به جد و جهد در کار بودند. محمود آموزگار، ریاست اتحادیه ناشران به کشایش گره‌ها می‌پرداخت. در این نمایشگاه آژانس‌های ادبی نقشی بسزا دارند، آنان پلی هستند برای ناشران ایران و جهان. دراین‌مان نقش بازار و ارجمند بانو لی‌لی خاژری‌یزدی که سال‌هاست به شور و شوق در کار نشر آثار ایرانی به دیگر زبان‌ها و دیگر زبان‌ها به ایرانی است، ستودنی است. در غرفه کودکان و کتاب‌های کودکان که به کوشش انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و بانو رویا مکتبی، نویسنده و پژوهشگر ایرانی مقیم آلمان، برپا شده بود، دیدار با نویسندگان ایرانی معتمد بود. محمود برآبادی، محمدرضا شمس و دکتر بابک صابری گرمی. روزی هم توفیق دیدار با دوست دیرین مصطفی رحماندوست دست داد. در غرفه ایران نشست‌های فراوان بود؛ اما من توفیق یافته‌م که در سه نشست شرکت کنم. نشستی در معرفی بانوان نویسنده ایرانی، نسیم مرعشی که با کتاب زیبایش «پاییز فصل آخر سال است» و ترجمه آن به دقت و همت پریسا نظری به ایتالیایی خوش درخشیده و بانو الهام فلاح برنده جایزه پروین اعتصامی و ضحی کاظمی، داستان‌نویس جوان پرتوان... .

در این نشست‌ها از من هم خواستند که قصه‌ای بخوانم، بخشی از قصه «پرند» و دیوار» را خواندم که اشاراتی بود به دیوار برلین و قطعه‌ای از «راز قلعه را».

درخشش بانوان ایرانی تنها در نمایشگاه نبود. «فریا وفی» امسال جایزه پرمخاطب‌ترین نویسنده غیرآلمانی را برده بود. بنیاد ادبی «لیت پروم» این جایزه را به خاطر رمان «ترلان» در مراسمی باشکوه به او اهدا کرد. نشست دیگری در غرفه ایران برپا بود. به نشست کتابخانه بین‌المللی مونخ اشاره می‌کنم؛ کتابخانه‌ای که سال‌هاست در اندیشه همدلی و همکاری کودکان و نوجوانان جهان است. گنجینه‌ای غلیم از بهترین کتاب‌های کودکان و نوجوانان دنیا به زبان‌های گوناگون فراهم آورده است.

آقای «ویر» مدیر این کتابخانه و بانو رویا مکتبی به شرح کوشش‌های این بنیاد جهانی پرداختند. بنیادی که فروتنانه و بی‌ادعا. کارها می‌کند کارستان.

در روز ملی ایران فرصتی بود که به نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در گسترش کتاب و کتاب‌خوانی بپردازم. در آنجا گفتم: «ما همه فرزندان کانونیم، از کلاتری و کیارستمی تا احمدرضا احمدی و رشید متقالی، از



نمایشگاه کتاب فرانکفورت ۲۰۱۶

مربیان جوان آن روزهای کانون و هنرمندان نامی امروز ایران، علیزاده و درخشانی و محمدعلی بنی‌اسدی...». کانون نقشی یگانه در جهان دارد. از آغاز تأسیس تاکنون بیش از سه هزار عنوان کتاب تولید کرده با رقم و شمارگانی شگفت بیش از ۸۲ میلیون نسخه. مراکز ثابت کتابخانه‌های کانون اکنون به ۷۹۰ مرکز می‌رسد و در هر مرکز ۴۰ نوع فعالیت فرهنگی صورت می‌گیرد. مراکز فراگیری برای کودکان نایینا، ناشنوا، کم‌بینا و کم‌شنوا تأسیس شده. بیش از ۴۰ مرکز... .

تعداد مراکز سیار شهری و روستایی به ۱۷۰ مرکز می‌رسد و تعداد کتابخانه‌های پستی بالغ بر ۵۶ مرکز است.

هم‌اکنون تعداد اعضای ثابت مراکز فرهنگی ۴۳۵ هزارو ۲۸۷ نفر هستند. گفتم که در هر شهر و روستای ایران مرغ کانون می‌خواند و اکنون پرواز این مرغ جهانی شده و کتاب‌هایش به بسیاری از زبان‌ها نشر یافته است. کانون از بدو تأسیس به «کپی‌رایت» متعهد بود و حقوق معنوی و مادی ناشران و دبیداو‌رندگان آثار را می‌پرداخت و اکنون نیز ناشران دیگر کشورها با شور و شوق به خرید حقوق کتاب‌های کانون اقدام می‌کنند. در غرفه کانون حضور دو بانوی گرمی ایرانی، بانوان ارکانی و رامین و همکار گرمی‌شان بهزاد چهارباشیان مشتاقان را با مهریانی رهنمون بود.

پیش از این نیز عربستان سعودی هم‌اکنون تعداد اعضای ثابت مراکز فرهنگی ۴۳۵ هزارو ۲۸۷ نفر هستند. گفتم که در هر شهر و روستای ایران مرغ کانون می‌خواند و اکنون پرواز این مرغ جهانی شده و کتاب‌هایش به بسیاری از زبان‌ها نشر یافته است. کانون از بدو تأسیس به «کپی‌رایت» متعهد بود و حقوق معنوی و مادی ناشران و دبیداو‌رندگان آثار را می‌پرداخت و اکنون نیز ناشران دیگر کشورها با شور و شوق به خرید حقوق کتاب‌های کانون اقدام می‌کنند. در غرفه کانون حضور دو بانوی گرمی ایرانی، بانوان ارکانی و رامین و همکار گرمی‌شان بهزاد چهارباشیان مشتاقان را با مهریانی رهنمون بود.

سه روز اول نمایشگاه ویژه اهل نشر بود. ناشران، ویراستاران، نویسندگان و مترجمان.

در روز آخر درها به روی عموم گشوده بود. بلیت نمایشگاه ۷۰ یورو بود؛ اما دانش آموزان معاف بودند و در دو روز آخر با لباس‌هایی رنگین و صورتک‌هایی شبیه قهرمانان قصه‌ها، نمایشگاه را به شادی و زیبایی بیشتر می‌آراستند. در روز ملی ایران، از حاضران با غذاهای لذیذ ایرانی پذیرایی شد.

در روزهای دیگر هم جای خوش‌طعم ایرانی، چای ترش و شیرین، نقل و قهوه و کلوچه به راه بود... هنوز چهره مهربان و خندان حسین نجفی را به یاد دارم که با مهربانی و گشاده‌رویی میهمانان ایرانی و آلمانی را پذیرایی می‌کرد.

همواره جناب موجانی با گشاده‌رویی و فرازگانی اهل قلم را باری می‌رساند

و به کوشش‌هایی ممتاز و فرهنگ‌ساز در آلمان می‌پردازد. در این فرصت ممتاز تا آنجا که توانستم، به غرفه‌ها سر زدم. آقایان عسکری و متولی، مدیران کوشای «هویا» را دیدم که در کار کتاب‌های کودکان و نوجوانان بودند. قرارى در غرفه ناشران ایتالیایی آثار جانی روداری، نویسنده نامی ایتالیایی داشتیم برای نشر آثار وی و ایتالالو کالونینو عقد قرارداد... .

چه نیک است و فرخنده که هویا مانند کانون متعهد به کپی‌رایت است. یاد از دنی‌برم که ناشر شاهکار اومبرتو اکو و کتاب یگانه‌اش «قصه قصه» که به وسیله چکه نشر یافت و با استقبال فراوان هم‌میهن‌مان روبه‌رو شد، چه مهربانانه شرایط ما را پذیرفت، فیلم‌ها و فایل‌های رنگی را فرستاد و به اندک بهایی رخصت و رضایت داد.

همراه جناب عسکری به «گالیار» ناشر شهریر فرانسوی رفتم، چند قرارداد امضا شد و چند شاهکار نویسندگان بزرگ برای کودکان و نوجوانان پیگیری شد. در غرفه فرانسه، دو چهره تصاویر و آثارشان به چشم می‌خورد که کتاب‌هایشان پرفروش بود و هر دو نام یاسمین داشتند.

«یاسمینا رضا»، بانویی از تیار ایرانی، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس، رمان‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس زاده پاریس و موفق‌ترین نمایش‌نامه‌نویس دهه آخر قرن بیستم فرانسه.

«یاسمینا خضرا» زاده الجزایر و بالنده در فرانسه. رمان‌نویس شهره و برنده جوایز بی‌شمار جهانی.

به غرفه روسیه هم سری زدم. تصاویر چخوف، پوشکین، گوگول، داستایوفسکی و تورگنیف همراه با آثارشان در کنار نویسندگانی بنام بود که در روزگار استالین زندانی و نابود شدند. نویسندگانی مانند اخماتو وا، توستا یوا، بولگا کف، باسترناک... .

به یاد شعر حافظ افتادم:

فرده که پیشگاه حقیقت شود پدید

شرمند هروی که عمل بر مجاز کرد

آلمان هم که میزبان بود. هرچند که آلمانی‌ها با کتاب و کتاب‌خوانی آشنایند. در گوشه‌ونگار شهرها مانند دیوار مهریانی ما، قفسه‌هایی ساخته‌اند پر از کتاب، هرکه می‌تواند کتاب بگذارد و هرکس می‌خواهد کتابی به رایگان ببرد و بخواند؛ اما نمایشگاه کتاب فرصتی بود برای دلدادگان کتاب، در غرفه ناشران آلمانی آتجه صف‌هایی طولانی و بی‌شمار دیدم که ساعت‌ها دوستداران کتاب در انتظار بودند تا نویسنده محبوبشان کتاب را به یادگار برایشان امضا کند.

ایس گزارش را به پایان می‌برم، به امید شرکت باشکوه‌تر کشور ما در هفتم‌دین نمایشگاه کتاب فرانکفورت در آلمان که سال آینده برگزار می‌شود. امسال بیش از ۲۵۰ هزار نفر از سراسر جهان و آلمان به بازدیدین این نمایشگاه آمده بودند.

به امید آنکه جهانیان دراین‌ما نیز مردمی هستیم جوای اگاهی و دل‌بسته می‌کنم، ما نیز مردمی هستیم که حرفی داریم برای گفتن و راهی برای پییمودن.

عبور از وهابیت

درعوض باید تفکرات امثال ساموئل هانتینگتون، متفکر آمریکایی ضداسلام و صاحب‌نظریه جنگ تمدن‌ها، در کنار سایر متفکران غربی وارد کتاب‌های درسی می‌شد کمالاتیکه برای نخستین بار مقرر شد مفاهیم جدیدی مثل جامعه مدنی، جهان‌گرایی و حقوق بشر یا گفت‌وگوی تمدن‌ها در این برنامه‌های درسی آورده شود. هرچه بود این شیوه‌ها در کنار شیوه‌های داخلی دیگر کمک کرد تا از نقش روحانیون و نفوذ نهادهای دینی وهابیت در عربستان کاسته شود. اما نه تا آنجا که به قطع ارتباط با دولت منجر شود؛ بدون اینکه جایگاه اصلی روحانیون به‌عنوان طبقه حاکم یا شرکای قدرت از بین برود.

آیا وهابیت افول می‌کند؟

چندی پیش محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در میان دست‌زدن‌های ممتد حاضران در کنفرانس اقتصادی «پیشنهاد سرمایه‌گذاری برای آینده» تعهد کرد اصلاحات اجتماعی گسترده‌ای را در کشورش ایجاد کند تا جامعه عربستان را به جامعه‌ای «طبیعی، با تسامح و خوب» تبدیل کند. بن‌سلمان به مصائب کشورش در سال‌های گذشته اشاره و از سیطره «روش‌های سرسختانه بر جامعه» گلایه کرد. او یادآور شد اکنون زمان آن رسیده است تا «با این‌ا افکار مقابله شده و بلافاصله بر آنها غلبه کنیم». او گفت کشورش به دنبال یک زندگی «طبیعی است که بازتاب‌دهنده دین با تسامح اسلام و عادت‌ها و سنت‌های خوب‌مان باشد. ما می‌خواهیم با جهان زندگی کنیم و در توسعه جهان و کشورمان مشارکت داشته باشیم»

پیش از این نیز عربستان سعودی شاهد یک سلسله تصمیماتی بود که نشان می‌داد مقامات این کشور دارند از رویکردهای محافظه‌کارانه وهابیت فاصله می‌گیرند. حق راندگی دادن به زنان با کاستن از قدرت هیئت‌های امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر ازجمله اینها بود. همان زمان اطلاعاتیه‌ای منتشر شد که از تأسیس یک «مجمع احادیث نبوی» حکایت داشت. با این هدف «احادیث نبوی غربال شده و از احادیثی که به تئورهایش و قتل و کشتار دعوت می‌کند خالی شود، کاری که متخصصان آن را در حد انقلابی در اساس و پایه‌های وهابیت سلفی تلقی کردند، همان تفکری که از یک قرن پیش تاکنون پادشاهی عربستان بر آن استوار بوده است.

با این همه به‌نظر می‌رسد حکومت عربستان سعودی از وهابیت فاصله بگیرد. سباستین زوسن، پژوهشگر جمعیت آلمانی سیاست خارجی، می‌گوید: «اگر حمایت‌های قدری وهابیت نبود خانواده حاکمان قادر به داشتن یک سلطه سیاسی نبودند. این ائتلاف بین وهابیت و خاندان حاکم بود که چند دهه استمرار پیدا کرد». ازاین‌رو دشوار خواهد بود که خاندان حاکم بدون حمایت روحانیون بتواند قدرت سیاسی خود را حفظ کند. طبعاً هدف حذف وهابیت نیست، بلکه اصلاح آن به شکلی عمیق و ریشه‌ای است.»

این برنامه‌ها تقریباً همان چیزی است که یوسف العثویه، سفیر امارات در واشنگتن، بر زبان آور گفت: «امارات، عربستان، اردن، مصر و بحرین برای خاورمیانه دولت‌های سکولاری می‌خواهند». به عبارتی دیگر نظام سیاسی عربستان سعودی در حال گذار به سوی سکولاریسم است. اما این روند به کجا منتهی شود و این‌گونه اقدامات به قطع ارتباط مستقیم و صریح بین خاندان حاکم و روحانیون وهابی منجر خواهد شد یا وهابیت را در این کشور به کالبدی بدون روح تبدیل خواهد کرد، معلوم نیست آنچه معلوم است اینکه دوران جدیدی در عربستان شروع شده است؛ دورانی که ما در آن شاهد تحولی ریشه‌ای در ارتباط بین پادشاهان و متحدان سنتی‌شان به ویژه روحانیون وهابی خواهیم بود.

•**منبع: الجزیره**

روزنه

مسئله کاتالونیا و خاورمیانه

اتفاقات کاتالونیا فقط مربوط به اسپانیا و اتحادیه اروپا نیست؛ مسئله کاتالونیا ماهیت اصل حاکمیت را نشانه می‌رود. ماجرای کاتالونیا به‌ویژه در خاورمیانه- که ۴۰کته‌ای دامن‌ی از درگیری‌هاست و دارای نهادهی همچون اتحادیه اروپا نیست- می‌تواند به مثابه برج و بارونی برای حمله به مرزهای ملی به کار رود.

اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها که در منشور سال ۱۹۴۵ سازمان ملل ثبت شده، با قطع‌نامه ۱۵۱۴ سال ۱۹۶۰ سازمان ملل متحد اصلاح و معتدل شد. این اصل هر گونه تلاش برای ازین‌بردن وحدت ملی و تمامیت ارضی یک کشور را با اصول منشور سازمان ملل ناسازگار می‌داند. اشتباه است اگر فکر کنیم منطقه با مناطقی از یک کشور نمی‌توانند از آن جدا شوند و استقلال خود را به دست آورند. برای مثال، در صورتی کاتالونیا می‌تواند به استقلال دست یابد که در قانون اساسی اسپانیا اصلاحاتی صورت پذیرد، یعنی ماده‌ای در آن گنجانده شود مبنی بر اعطای حق تعیین سرنوشت یک منطقه به خود آن.

بدیهی است تحقق چنین سناریویی مستلزم موافقت اکثریت دوسومی مجلس است که فعلاً و تا اطلاع ثانوی در اسپانیا یافت نمی‌شود. به‌همین‌دلیل دولت جدایی‌طلب از همان ابتدای انتصابش در ۲۰۱۵ با نقض قانون اساسی اسپانیا و نیز مجلس کاتالونیا، اقداماتی برای یک جدایی یک‌طرفه انجام داد که برای سازماندهی یک همه‌پرسی درباره مسائل داخلی، حصول رأی اکثریت در مجلس منطقه کفایت می‌کند. بدین ترتیب، قانون همه‌پرسی با یک اکثریت ساده به تصویب رسید. علاوه بر این، فقط ۴۰ درصد رأی‌دهندگان نظر خود را از طریق صندوق رأی بیان کردند؛ رقمی که برای اعتبار کافی‌بخشیدن - حتی به شکلی ظاهری- بسیار کم به‌نظر می‌رسد.

اعلامیه استقلال روز ۲۷ اکتبر ۲۰۱۷ در نهایت و بی‌دلائل کافی، به‌عنوان نقض حقوق بین‌المللی شناخته شد و هیچ کشوری جمهوری کاتالونیا را به رسمیت نشناخت.

استثناها

از منظر حقوق بین‌الملل، تنها استثنای قاعده تمامیت ارضی، مستعمره‌ها و سرزمین‌های اشغالی‌اند. اما استقلال‌های پس از فروپاشی جماهیر شوروی، یا جدایی چک‌اسلوواکی یا یوگسلاوی چطور؟ در دو مورد اول، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها در قانون اساسی این کشورهای سوسیالیستی وجود داشت. همچنین برچیده‌شدن دولت‌های مذکور از منظر حقوق بین‌الملل هیچ مشکلی به وجود نیاورد. در قانون اساسی سال ۱۹۷۴ یوگسلاوی، تصریح شده که این کشور «اجتماعی دولت‌مدار از ملت‌ها و جمهوری‌هایی است که آزادانه با هم متحد شده‌اند». جدایی این کشور نیز به چشم جامعه جهانی با قوانین بین‌المللی مطابقت داشت. جدایی‌طلبی در آنجا همچنین پیامد وضع حق تعیین سرنوشت به مثابه «آخرین راه‌حل» در بستری از جنگ داخلی بود.

از سال ۱۹۴۵، هرگونه جداییی در مذاکره با دولت مرکزی اتفاق افتاده است. مثال‌های گواه بر آن، استقلال موته‌نگرو در ۲۰۰۶ با سودان جنوبی در ۲۰۱۱ است و نیز همه‌پرسی‌های ناموفق در کپک (۱۹۹۵) و اسکاتلند (۲۰۱۴) که به صورت قانونی برگزار شدند. بااین‌حال، استثناهایی هم وجود دارد: برای مثال، در سال ۲۰۱۴ کریمه به شکل یک جانبه استقلال خود را از اوکراین اعلام کرد و به‌سرعت پس از آن به دولت فدرال روسیه ملحق شد. جامعه بین‌المللی این عمل را به رسمیت نشناخت و این عدم پذیرش جهانی، درهرحال تغییری نیز در امور واقع ایجاد نمی‌کند.

ابزار امپریالیستی

در نگاه اول، وجود یک حق عمومی بین‌المللی برای به‌رسمیت‌شناختن تعیین سرنوشت ملت‌ها به‌عنوان نقطه‌ای مرجع - همان نگاه کاتالان‌های ملی‌گرا- خبری بسیار خوش برای ملت‌های سرکوب‌شده در خاورمیانه است. آیا می‌توان آنچه را که به کاتالان‌ها داده می‌شود، از فلسطینی‌ها دریغ کرد؟ منطقی خواهد بود که اسرائیل کشور کاتالونیا را به رسمیت نشناسد. تل‌آویو نیز از به‌رسمیت‌شناختن کوزوو سر باز می‌زند. در سال ۲۰۰۸، کوزوو به شکلی یک‌جانبه و با حمایت بخش قابل توجهی از جامعه بین‌المللی از صربستان جدا شد. اسرائیل، نگران از اینکه برای دولت فلسطینی مصداق و سابقه‌ای جهانی ایجاد نشود، کمابیش همان خط‌مشی را در مواجهه با مسئله کاتالونیا در پیش گرفته است.

نقشه فرضی از خاورمیانه چندپارده‌شده

ترکیه به نوبه خود استقلال کوزوو را در کمتر از ۲۴ ساعت پس از آن به‌رسمیت‌شناخت. اما در قبال کاتالونیا از انجام همین کار امتناع ورزید. بدون شک، آنکارا در به رسمیت شناختن دولتی با ۹۵ درصد مسلمان در اروپا، منافع ژئوپلیتیک داشته است. شاکر و روشنی‌اش است. این‌حال، معلوم نیست چرا و چطور این کشور - با جمعیتی شامل ۲۰ درصد کرد، اغلب خواهان جدایی-می‌تواند یک جدایی‌طلبی یک‌طرفه را در خارج به رسمیت بشناسد.

در اینجا به منطق سیاسی با هندسه متغیر وارد می‌شویم: ۹ سال بعد از تجاوز نظامی سال ۱۹۷۴ ترکیه به قبرس، قبرس شمالی اعلام استقلال کرد و آنکارا این واحد را که در واقع به خودش تعلق دارد، به رسمیت شناخت.

اسرائیل نیز بنا بر همین رویکرد و بر خلاف مخالفتش با دکترین جدایی یک‌طرفه، تابه‌حال تلاش کرده یک واحد به‌اصطلاح «مستقل» در همه‌جا تشدید خواهد شد و به تبع، شیخ و ترس فروپاشی خود به دلیل و عامل ثبات در خاورمیانه ازبیش‌شنشکننده و متزلزل بدل خواهد شد.

سنگین‌کردن وزنه حقوق بین‌الملل به طرف تفسیر حادترکی حق تعیین سرنوشت - یا به طور خلاصه، به‌کارگیری دکترین جدایی‌طلبان کاتالان - کادوبی است که هرکس بتواند از آن استفاده یا سوءاستفاده کند، با کمال میل آن را خواهد پذیرفت.

•**منبع: Orient-le-Jour**